

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

ژانویه 2014 شماره 47

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

<http://iran-worker.blogspot.de/>

متشکل شویم، سازماندهی کنیم!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهادها است. نهادهای همبستگی، در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد. تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است. تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست. تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست. جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

فراخوان به اعتراض سراسری علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی

دست سرمایه داران غارتگر از سالها اندوخته کارگران کوتاه!

کشتار و سرکوب کارگران کامبوج محکوم است!

به یاد کارگران جان باخته خاتون آباد



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران -
خارج کشور
Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement -
abroad

بولتن اخبار کارگری

شماره 47 ژانویه 2014

فراخوان به اعتراض سراسری
علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی فوری و بدون قید و شرط
کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی

3

دست سرمایه‌داران غارتگر از سالها اندوخته کارگران کوتاه!

4

کشتار و سرکوب کارگران کامبوج محکوم است!

6

به یاد کارگران جان باخته خاتون آباد

8

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی بکوشیم!

12

متشکل شویم، سازماندهی کنیم!

فراخوان به اعتراض سراسری علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی

رضا شهابی کارگر زندانی عضو هیئت مدیره و خزانه‌دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را برای چندمین بار با حالی نزار و در حال فلج شدن به توصیه پزشکان و فشار خانواده بالاخره به بیمارستان منتقل کردند. در دفعات گذشته بارها شاهد بودیم که قبل از منقضی شدن زمان لازم برای معالجات و پیش از آن که معالجات به نتیجه‌ای برسد و علیرغم تاکید و حتی مخالفت پزشکان و مسئولان بیمارستان، رضا شهابی را با زور و تهدید مجدداً به زندان برگردانند که نتیجتاً منجر به تشدید مشکلات و گسترش بیماری به سایر اعضای بدنش شد تا جایی که الان در آستانه فلج کامل قرار گرفته است.

بنا بر سوابق به روشنی پیداست که مقامات امنیتی و مسئولان و مأموران زندان با این روش تلاش می‌کنند که رضا را از پا درآورند که یا تسلیم شده و سر به فرمان نهد و یا در اثر تشدید بیماری و ممانعت از معالجات اساسی او را نظیر تعدادی از زندانیان سیاسی که در سال‌های اخیر شاهد بودیم "در نتیجه بیماری" سر به نیست کنند و اعلام کنند که او هم "خودش از دست رفت"!

نه تنها استقامت رضا شهابی و به مصاف طلبیدن رژیم حتی از درون زندان، بلکه شرکت فعالش در تمام عرصه‌های پیکار سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که چنین انسانی خریدنی نیست و با هیچ ترفندی نمی‌توان او را به تسلیم واداشت، لذا زندانبانان رژیم تنها به ازپا درآوردن فیزیکی او امید بسته‌اند و با تشدید فشار این بار نیز می‌کوشند او را زودتر از موعد و در نیمه کار معالجات به زندان بازگردانند.

اینجا دیگر کار ماست، رضا به تنهایی با تن بیمار نمی‌تواند در مقابل مأموران مسلح مانع از بازگشتش به زندان شود. از آنجا که بازگشت این بارش به زندان یقیناً به معنای حداقل فلج کامل است، وظیفه ماست که با تلاشی گسترده و همگانی از این فاجعه جلوگیری کرده و توطئه رژیم را خنثی سازیم. باید با کارزاری وسیع و پیگیر در سطح جهانی از افکار عمومی بخواهیم که با فشار به رژیم و کارگزاران زندانش، خواهان مرخصی پزشکی رضاشهابی تا درمان کامل شوند. باید سریعاً دست بکار شد و فرصت نداد که رژیم او را به زندان برگرداند. فعالیتهای بیشماری ضروری و حیاتی است که فوراً در دستور قرار گیرد. ترتیب دادن مصاحبه با رادیوها و تلویزیونها، درج خبر در رسانه‌های بین‌المللی، سازماندهی جلسات و نیز شرکت در جلسات نیروهای مترقی و جلب همکاری آنها، برگزاری آکسیونها و میزهای اطلاعاتی، برگزاری شبهای همبستگی و ... بسیج، دعوت و همکاری هرچه بیشتر عملی برای موثر بودن فعالیتهای ضروری است.

حمایت از فرزندان شایسته طبقه کارگر، کمک به حفظ سلامتی‌شان و تلاش برای نجات آنها از زندان، وظیفه فعالین جنبش کارگری، هواداران این جنبش و تمامی آزادیخواهان است، بکوشیم با تلاشی همگانی این وظیفه را بخوبی انجام داده و جان رضا شهابی را از چنگال آدمکشان جمهوری اسلامی نجات دهیم.

26 دسامبر 2013

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

در باره سازمان تأمین اجتماعی

دست سرمایه‌داران غارتگر از سالها اندوخته کارگران کوتاه!

60 سال از تأسیس سازمانی می‌گذرد که هدف عمده اش طبق تعریف و نامش "صندوق تأمین اجتماعی" می‌بایست تأمین کننده بقاء و دوام و امنیت زندگی تمامی مزد و حقوق بگیران جامعه ما بود و وظایفش عبارت بودند از: "حمایت اعضاء خود در برابر حوادث، بیماری‌ها و بارداری، مستمری بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی، مستمری بازماندگان، مقرری بیمه بیکاری، غرامت دستمزد ایام بیماری، پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی و کمک هزینه ازواج" (از اساسنامه سازمان).

بیش از 12 میلیون از کارگران و زحمتکشان به امید دریافت این خدمات، حق بیمه به این سازمان می‌پردازند و در مجموع تا پایان سال گذشته 37 میلیون و 500 هزار نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت پوشش خدمات مختلف تأمین اجتماعی قرار داشته‌اند (به روایتی دیگر 39 میلیون نفر) یعنی تقریباً نیمی از جمعیت کشور تحت پوشش این سازمان هستند و همین مسئله بیانگر اهمیت این تشکیلات عظیم و گسترده است. در حال حاضر حق بیمه برابر با 30 درصد از حقوق کارگر است که به نسبت 7 درصد مستقیماً از حقوق کارگر و غیر مستقیم 20 درصد توسط کارفرما و 3 درصد توسط دولت باید پرداخت شود. یک حسابرس متخصص می‌تواند با داشتن این ارقام در طول 60 سال و میانگین دستمزد ماهانه کارگران و کسر پرداختی‌ها و هزینه‌ها حساب کند که این غول بر روی چه ثروت افسانه‌ای و باورنکردنی که چیزی جز حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان نیست، خوابیده است. تنها اشاره به یک "مورد کوچک" می‌تواند تصویری از این گنجینه بی‌کران به دست دهد:

دولت بابت کسری سهم 3 درصدی اش تا کنون رقمی معادل 54 هزار میلیارد تومان که از دولت‌های قبل به جا مانده است به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است. (حدود یک سوم کل بدهی‌های دولت متعلق به تأمین اجتماعی است). ضمن این که طی سال‌های 91 و 92 افزایش 18 هزار میلیارد تومانی داشته است و فقط 10 میلیارد آن در سال گذشته پرداخت شده است. اما از آنجا که دولت قادر به پرداخت چنین وجه نا قابلی نیست، طبق برنامه‌ای اقدام به واگذاری کارخانجات و شرکت‌ها و مؤسسات عظیم اقتصادی به سازمان نامبرده نموده تا بخشی از بدهکاری اش را از این طریق تسویه کند. برخی از این مؤسسات عبارتند از: نیروگاه طوس، فولاد خوزستان، نیروگاه بندرعباس، سنگ آهن شرق، هلدینگ خلیج فارس، بانک‌های صادرات، پاسارگاد، تات، پارسین، دی، ملت، پست بانک، تجارت، شرکت ایران (NLG)، شرکت پالایش و پتروشخ خون، شرکت‌های حفاری شمال، مدیریت آب و برق صبا، صنایع مس و پتروشیمی کرمانشاه، پتروشیمی فن‌آوران، مارون، پالایشگاه نفت بندرعباس، شرکت ملی انفورماتیک و مجموعه هتل‌های هما (به ارزش 600 میلیارد تومان).

مجموعه سرمایه‌های این مؤسسات تنها بخشی از بدهکاری دولت است، البته طی سالیان دولت بخش‌هایی از سهامش را می‌پرداخته است. حال اگر مجموعه پرداختی‌ها به اضافه سرمایه‌های واگذار شده فوق، به اضافه باقیمانده بدهکاری دولت را روی هم حساب کنیم، این تازه میشود 3 درصد از کل ثروت سازمان تأمین اجتماعی!!! به این حساب می‌توان 27 درصد باقیمانده و 30 درصد کل حق بیمه پرداختی را تخمین زد. برای روشن تر دیدن این تصویر نگاهی به بخشی از سرمایه‌گذاریهای سازمان بیندازیم. سازمان تأمین اجتماعی، یک شرکت سرمایه‌گذاری به نام اختصاری "شستا" دارد که در هفت رشته به شرح زیر سرمایه‌گذاری کرده است:

1- سرمایه‌گذاری صدر تأمین (کاشی و سرامیک و مواد کانی و فرآورده‌های نسوز) 2- سرمایه‌گذاری سیمان تأمین 3- سرمایه‌گذاری دارویی تأمین 4- سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین 5- سرمایه‌گذاری صنایع عمومی تأمین 6- سرمایه‌گذاری عمران و حمل و نقل تأمین 7- سرمایه‌گذاری صبا تأمین که هر یک از این گروه‌ها شامل ده‌ها کارخانه تولیدی و شرکتهای توزیعی، بازرگانی، خدماتی و فنی با میلیاردها تومان سرمایه‌های اولیه هستند.

این تنها تصویر کم‌رنگی از آن غول عظیم اقتصادی و ثروت بی‌کرانی است که دزدان و غارتگران حکومتی بر سر تقسیم و سهم بری بیشتر از آن به جان هم افتاده و اسنادی از چپاولهای آزمندانده‌شان را علیه یکدیگر رو میکنند. ● پرداخت حقوق‌های چند میلیونی به مدیران و رؤسا (حقوق ماهانه یک مدیر برابر حقوق سه سال یک معلم است!)

• پرداخت مبالغ میلیاردی و میلیونی و سکه های بهار آزادی و ... تحت عنوان پاداش، جایزه، هدیه و ... به هیئت امنا، هیئت مدیره و سایر مدیران و رؤسا که اکثراً قبیله ای و خویشاوند هستند،
• پرداخت رشوه علنی میلیونی تحت عنوان "کارت هدیه" به 150 نفر از وکلای مجلس،
• تعویض تقریباً هر ساله مدیران عامل و سهم بری و غارت هریک از آنها و گله های همراهشان از این خوان یغما به نوبت،
• بدهکاری خارج از حساب بسیاری از کارفرمایان و مهمتر از همه دولت
• کاهش چشمگیر درآمد سازمان از حق بیمه ها، به علت تعطیلی یا ورشکستگی بسیاری از کارخانجات و شرکتها و اخراج فلهای کارگران،
• بر فراز این ها؛ تفاهنامه ای بین سازمان تامین اجتماعی در زمان مدیریت سعید مرتضوی و شرکت هلدینگ سورینت قشم به مدیر عاملی آقای بابک زنجانی منعقد شد.
مطابق این تفاهنامه مقرر شده بود تا سقف ۴ میلیارد یورو (معادل بین ژاپن) ۱۳۸ شرکت متعلق به سازمان تامین اجتماعی که عمدتاً موضوع اصلی تحقیق و تفحص بوده اند، به شرکت مذکور واگذار شود.
این تفاهنامه که به قصد واگذاری انحصاری سهام ۱۳۸ شرکت از مجموع ۲۰۷ شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) شامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان، بانک صادرات، هتل های هما، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی تبریز، شرکت ملی نفتکش، چوب و کاغذ ایران، شرکت های بیمه ای، (ملت، میهن، دانا، پارسیان) کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، بانک های مختلف از جمله پاسارگاد، تات، پارسیان، دی و ... صنایع مس شهید باهنر و ... به هلدینگ سورینت قشم بوده است، بخشی از معضلات و مسائلی است که سازمان را با بحران جدی و حتا کسر بودجه و ورشکستگی مواجه ساخته است. مدیر عامل جدید سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: سازمان تامین اجتماعی با کسری ۵۰۰۰ میلیارد تومانی مواجه است!

همراه با این غارتگریها، مدیران سنواتی سازمان برای چپاول باز هم بیشتر، طی مصوبات و "قوانینی" دائماً از دایره خدمات و وظایف خود به زیان کارگران کاسته و آنان را از همان خدمات ناچیز هم محروم ساخته اند.
حذف کارگاههای کمتر از 5 نفر از شمول قانون کار و سپس ادامه آن به کارگاههای کمتر از 10 نفر در دوره دولت محمد خاتمی، که طبعاً شامل محرومیت از خدمات بیمه نیز میشود، ناشی از آن زیر گرفتن حق بیمه محرومیت صدها هزار نفر از کارگران کارگاههای دار قالبیافی ها، همچنین کارگران ساختمانی از مزایای بیمه، مشروط کردن بیمه کارگران ساختمانی به داشتن کارت مهارت و شرایط بسیار سنگین کسب این کارت. حذف بسیاری از داروهای اساسی و همچنین بسیاری از خدمات پزشکی و کمک پزشکی از شمول بیمه و لزوم پرداخت بابت آنها از جیب بیمه شده گان همچنین لایحه اصلاح قانون تامین اجتماعی که مهمترین مواد آن عبارتند از: 2 در صد اضافه کردن بر سهم حق بیمه کارگر، بالابردن سن بازنشستگی و ادغام صندوق درمانی کل کشور با صندوق تامین اجتماعی اینها نیز بخشی از تدابیری است که بیش از پیش کارگران را در تنگنا قرار داده و به جایی رسانده است که با مشاهده این همه تبعیض و اجحاف، این همه غارت و چپاول، این همه بخور بخور و بریز و بپاش و این همه تفاوت و ستم طبقاتی، کارگران جان به لب رسیده فریاد برآوردند: دیگر بس است! و دارودسته های غارتگر حاکم را که هنوز هم بر سر "حاف ملا" با یکدیگر درگیرند، به حال خود گذاشته و در تلاش برای چاره جویی اساسی، برای ایجاد و گسترش تشکلهای مستقل اقتصادی و سیاسی خود، برای تحکیم و توسعه وحدت طبقاتی پیگیرانه می کوشند تا با ایجاد نیرویی سراسری، متحد و قوی بتوانند حقوق و سرمایه های غارت شده خود را از حلقوم سرمایه داران حاکم دولتی به مثابه بزرگترین کارفرما و بخش واگذار شده به رانت خواران خصوصی بیرون بکشند.
تنها راه نجات تامین اجتماعی، خارج کردن آن از دست دولت و بخش خصوصی از طریق وحدت و تشکیلات کارگران است.

دست غارتگران سرمایه دار و حاکمیت ضد کارگری از حقوق و ثروت های کارگران کوتاه!
سازمان تامین اجتماعی باید به دست صاحبان اصلی آن، یعنی کارگران اداره شود!
گسترده و مستحکم باد اتحاد و سازمانیابی کارگران!

*در رابطه با بدهکاری دولت به تامین اجتماعی به پایگاه خبری - تحلیلی "تازه" مراجعه کنید:

<http://tazehnews.com/print/13288>

کشتار و سرکوب کارگران کامبوج محکوم است!

کارگران کامبوج در فقری شدید بسر میبرند. شدت استثمار کارگران در این کشور کم سابقه و همچون بنگلادش میباشد.

کارگران در ازای روزی ده تا دوازده ساعت کار، دستمزدی ماهیانه حدود پنجاه و شش یورو دریافت میکنند. در حالیکه در مدت دوسال گذشته حتی بنا بر آمار رسمی تورم افزایش فراوانی داشته و گرانی به سیصد درصد رسیده است، دستمزدها ثابت مانده اند. درخواستهای مکرر کارگران مبنی بر افزایش دستمزد بدون پاسخ مانده است. صاحبان کارگاه ها و سایر سرمایه داران هر روز فربه تر شده اند، تاحدی که مدیر انجمن صاحبان کارگاه های نساجی، یکی از میلیاردهای سرشناس جنوب شرقی آسیا است. از استثمار شدید کارگران کامبوج، سرمایه داران اروپائی و آمریکائی نیز سودهای کلان میبرند. کارگران در صدها کارگاه نساجی کامبوج، محصولات را تولید میکنند که سفارش داده شده از شرکتهای بزرگ و معروف خارجی میباشد. بعنوان نمونه آن محصولی که در کامبوج و یا بنگلادش دستمزدی حدود یک دهم یورو دارد، در فروشگاههای زنجیره ای بزرگ سرمایه داران سفارش دهنده به مبلغی حدود ده یورو بفروش میرسد. چپاول دستمزد این کارگران، فربه تر شدن هر روزه سرمایه داران داخلی کامبوج و استثمارگران خارجی را بدنبال دارد. کارگران کامبوج که از تقاضاهای افزایش دستمزد نتیجه ای نگرفته بودند، اقدام به اعتصاب عمومی و تظاهرات با برپائی چادرهای تبلیغاتی در پنوم پن، پایتخت کشور، نمودند. بیش از سیصد و پنجاه هزار کارگر نساجی دست از کار کشیدند و

روانه خیابانهای پایتخت شدند تا فریاد اعتراضی خود را همراه با خواست دوبرابر شدن دستمزدها (حدود 116 یورو ماهیانه) به گوش همگان برسانند. کارگران متحد و یکپارچه پنج روز در برابر تهدیدات دولتی و فشارهای امنیتی پلیس مقاومت کردند. پلیس تحت فرمان دولت و شخص هون سن نخست وزیر وحشیانه کارگران را زیر ضربه گرفت و چادرهای تبلیغاتی را برچید و در مدت دوروز شش کارگر نساجی را با گلوله به قتل رسانید، دهها نفر را زخمی و دهها کارگر دیگر را دستگیر کرد.

توحش دولت سرمایه داری کامبوج نشان داد که این دولت، مانند تمامی دولت‌های سرمایه داری در دفاع از منافع سرمایه داران، آماده ی هر نوع فشار بر کارگران و حتی کشتار کارگران هست. کشتار و دستگیری کارگران در زمانی صورت گرفت که کریستین لاگارد رئیس صندوق بین امللی پول وارد پنوم پن شده بود تا قراردادهائی را در راستای سیاست نئولیبرالی و بانک تجارت جهانی در همدستی با دولت کامبوج بر زحمتکشان کشور تحمیل کند. وی خندان و شادمان از توحش دولتی و زمینه سازی برای قراردادهای جدید، راهی دیگر کشورهای آسیای شرقی شد.

کارگران نساجی فعلاً بر سر کار بازگشته اند و خاطر نشان کرده‌اند، در صورتیکه بزودی به خواسته‌های آنها پاسخ مثبت داده نشود، مجدداً اقدام به اعتصاب گسترده تروتظاهرات خواهند نمود.

سرکوب، دستگیری و کشتار کارگران کامبوج را شدیداً محکوم کرده و خود را همدرد با کارگران در کامبوج میدانیم.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

نابود باد نظام سرمایه داری

10 ژانویه 2014

به یاد کارگران جان باختہ خاتون آباد

چهارم بهمن دهمین سالروز مبارزات درخشان کارگران مجتمع مس خاتون آباد از توابع شهر بابک است. کارگران این مجتمع که در شرایط بسیار سخت کاری، نا امنی محیط کار،

عدم تأمین شغلی و آلودگی شدید محیط کار و زیست، مجبور به کار بودند، از اواخر دی ماه 1383 آغاز به اعتراض جمعی کردند و خواستار استخدام دائم و قطع اخراجها شدند. پاسخ مسئولان مجتمع، ناشی از ماهیت سرمایه داری و ضد انسانی آنها، منفی بود. کارگران مصمم و متحد در پیشبرد مبارزه بودند. تحسن در محیط کار آغاز شد. کارگران، دروازه های مجتمع و جاده منتهی به آنها را بستند. فریاد اعتراض کارگران، در شهر بابک طنین افکن گردید. در پی همدردی همگانی، همراهی ها آغاز شد. اوج مبارزه در شب چهارم بهمن ماه بود.

مبارزه از محیط کار به خیابان کشیده شد. در این روز چند صد کارگر اعتصابی در تظاهرات خیابانی به سوی فرمانداری شهر روانه شدند تا با اعلام پافشاری بر ضرورت تحقق خواستهای خود، فریاد خشم خویش را در برابر مقامات دولتی نیز ابراز دارند. بسیاری از خانواده های کارگران و اهالی شهر بابک، همراه و همگام با کارگران اعتصابی شدند. شهر بابک تقریباً یک پارچه به حرکت درآمده بود.

چهارم بهمن، سالروز کشتار کارگران خاتون آباد توسط جنایتکاران اسلامی است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، کارگران را از زمین و هوا به گلوله بست. در این روز دهها تن از تظاهرکنندگان زخمی شدند و چهارتن از کارگران بنامهای: جاویدی، ریاحی،

مؤمنی ومهدوی و همچنین یک دانش آموز بنام پورامینی به ضرب گلوله های رژیم جهل وفساد اسلامی، جان باختند. یادشان گرامی باد وراهشان پیروز.

هرچند این جنایت، اولین کشتار در جمهوری اسلامی نبود، ولیکن نشان داد که تمامی جناحهای حکومتی در سرکوب و کشتار مخالفین سیستم سرمایه داری و هر آن کس که در پی عدالت و برابری باشد، همصدا وهم رأی هستند. کارگران خاتون آباد در زمان ریاست جمهوری خاتمی به قتل رسیدند. خاتمی، کسی بود که با ادعای عدالت خواهی ورفاه، توده های مردم را فریب داد و به ریاست جمهوری رسید. حذف بیمه کارگاههای زیر ده نفر یکی از دهها شاهکارهای او در خدمت به صاحبان سرمایه و کارفرمایان بود. عدالت خواهی او، کشتار کارگران خاتون آباد و دانشجویان معترض، قتلهای زنجیره ای و..... ورفاه ادعائی او، تشدید فقر در ایران و افزایش بیکاری بود.

توده های ناآگاه در آن زمان فریب خوردند اما متأسفانه، تجربه آموخته نشد. هشت سال بعد، آخوندی دیگر بنام روحانی،

باچهره سیاسی مشابه و وعده ووعید های دروغین، فریب توده های ناآگاه را تنها با تکیه بر امیدواری مردم به بهبود، تکرار کرد. حتی اگر ناآگاهی توده های مردم در این دو انتخاب، تا حدودی ناشی از کم کاری متحدانه افراد و نیروهای آگاه و مبارز باشد، نمی بایست نقش مخرب دوستان دروغین مردم در اپوزیسیون غیردولتی را که زمام داری خاتمی را «انقلاب دوم» ویا مشابه آن نامیدند و یا مردم را به شرکت در انتخاب روحانی دعوت کردند نادیده گرفت. تمامی جناحهای جمهوری اسلامی، چه در قدرت وچه بصورت منتظرالوکاله و با هر رنگ و شمایل از یک قماشند. آنان جز ادامه استثمار کارگران و استبداد و چپاول دسترنج زحمتکشسان و ثروت عمومی، هدفی ندارند. دیکتاتوری سرمایه داری بخصوص آغشته به جهالت، خرافات و توحش مذهبی چون جمهوری اسلامی؛ اصلاح پذیر نیست و هرامیدی به آن داشتن، بیهوده است.

سرمایه داری اصلاح ناپذیر است و می باید سرنگون شود. راه دیگری برای برقراری عدالت و برابری نیست.

برای یک بار دیگر، توحش اسلامی به بارزترین شکل خود تظاهر کرد و خون کارگران در پی حملات هوائی و زمینی مزدوران سرمایه در چهارم بهمن ماه 1383 بر خاک ریخته شد. اما در چهارم بهمن یکبار دیگر دیده شد که هر جا ستم هست، ایستادگی هم هست. کارگران خاتون آباد و بسیاری از اهالی محل نشان دادند که ستم را پذیرا نیستند. چهارم بهمن 1338 اوج مبارزات آن زمانی کارگران خاتون آباد و در عین حال بذرپاش

مبارزات آتی کارگران مجتمع مس خاتون آباد بود. از آن زمان تاکنون بارها شاهد اعتراضات و تحصن های کارگران خاتون آباد بوده ایم. آخرین نمونه ی آن در همین سال (1392) بین چهارم تا نهم اردیبهشت ماه روی داد. بیش از 300 کارگر برای مدت چندین روز با خواست اجرای مفاد قراردادهای استخدامی مبنی بر ادامه استخدام، در محیط کارخانه تحصن کردند و دروازه های ورودی مجتمع را بستند.

در سالروز چهارم بهمن، یاد کارگران جانباخته خاتون آباد را بزرگ می داریم و بر مبارزات دلاورانه آنها ارج می نهیم.

تنفروانزجار دگرباره خود را از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی اعلام می کنیم.

پیروز باد جنبش کارگری ایران سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

بهمن 1392

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

یاد جانباختگان خاتون آباد گرامی باد!

کشتار کارگران خاتون آباد

توسط جنایتکاران رژیم اسلامی سرمایه فراموش خواهد شد!

برای آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی از پای نخواهیم نشست!

با شرکت تنی چند از فعالین کارگری داخل کشور

شنبه 25 ژانویه 2014 ، ساعت 19.00 بوقت اروپای مرکزی

Paltalk

Otage: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

متشکل شویم، سازماندهی کنیم!

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط

کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی

با زندانیان سیاسی رفتار می کند.

رژیم سرمایه داری

شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،

علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.

رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و

سالها بازداشت برای کارگران زندانی و

شروط و وثیقه های سنگینی

برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.

رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر

کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.

رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هر چه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپینهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

**همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!**

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در تشکلهای طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستان و هواداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هواداران و دوستان جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپنها، کارزارها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

متشکل شویم،

سازماندهی کنیم!



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران -
خارج کشور
**Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement-
abroad**



International call against the Islamic Republic of Iran for immediate release of workers and political prisoners

Reza Shahabi is a prisoner's worker who alongside being a board's director is also treasurer for Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company labour union in Tehran. After being unwell for a long period and a lot of pressure from his family and doctors; he was finally allowed to seek medical help at the hospital. Previous times he was taken back to prison while he was receiving medical help before recovering, even against the medical staff's advice. Due to him not being treated properly and due to all the pressure he has been under and lack of medical treatment, he has been showing early signs of disability. This only shows that the prisons security guards are trying to either destroy Reza or make him leave the workers and labour union and stop supporting the workers needs. There have been numerous cases where a political prisoner has died due to lack of treatment, but the prisons security guards have never taken responsibility and only stated that it was a natural death!

We are worried about Reza as we believe that the prison will put much more pressure on him and will not give him the medical help he needs due to his persistence and support for Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company labour union in Tehran. We are also worried as we believe that this sort of pressure will cause him permanent physical injuries.

It's our job now as Reza can't force the security officers on his own to take him to the hospital and demand medical treatment until he is well again before returning to prison. If he is taken back to prison, he will be fully paralysed. It is our duty to try all together to prevent this from happening and neutralize their plot.

We have to continuously campaign and raise awareness to the general public, and also put pressure on the government and the prison so that Reza would be able to receive the medical treatment he needs until he is well again. We have to act quickly so that Reza will not be taken back to prison again. There are several necessary and urgent actions that are required to be able to raise awareness like radio and TV interviews, inform International media, arrange conferences and attend other radical group meetings and request help from them and other the Labour Organisations, Trade Unions etc.

We call all freedom loving people to participate actively in these protest actions to bring the voice of Iranian workers and people against the Islamic republic of Iran to the world.

The support for competent workers activists is an obligation of workers supporters and all other radical freedom fighters. Let's try all together to complete our obligation and save Reza Shahabi's life and for the freedom and liberation of him.

Imprisoned Workers and political prisoners must be freed!

Down with capitalist Islamic Republic of Iran!

January 2014

Solidarity Committees with the Iranian Workers' Movement- abroad

nhkommittehamahangi@gmail.com

We condemn killing and oppression for workers in Cambodia!

Workers in Cambodia living in extreme poverty, intensity of workers exploitation in Cambodia is the same as Bangladesh. Labour monthly wages are fifty six euro for ten to twelve hours of daily work, whilst inflation was increased by three hundred percent in last two years, which has been recorded by government official department. Basic necessity prices has increased by three times of labour's income but workers wages has remained the same as it was, whilst in the other side the owner of Garment and textile manufacturers in Cambodia are the biggest foreign currency earner and selling more than five billion US Dollars annual export industry, which has increased production by over 20% last year. Garment and textile factories make clothing for western brands which includes Adidas, Puma and Hennes & Mauritz (H&M), and partly owns them as well. Following the Cambodian governments decision, which they had refused to increase workers' existing minimum wage, workers had been demonstrating peacefully and demanding an increase in the minimum wage up to 160 USD.

Wage of workers in Cambodia and Bangladesh are about one tenth of a euro a day, but the products they are making produces more than ten euro each. Cambodian and worldwide Owners of Garment and textile manufactures paying lowest wages to the workers to get more profit for them self. Owners of Garment and textile are getting five billion dollars profit annually and it has risen above 20% in last two years as well. However when worker asked to increase their wage up to 160 USD a month, owner of the manufactures used military police and killed at least six workers, injured dozens and around thirty have been arrested at Canadia Industrial Park in Phnom Penh the capital city of Cambodia. This brutal attack ordered under authority of Hun Sen the prime minister of Cambodia. Brutality of Cambodian Government against Garment and textile's workers experienced that they are ready for any kind of pressure on workers, even killing workers to protect owners of manufactures.

Pressure rising, arresting, wondering and killing workers happened while IMF chief (Christine Lagarde) was in Phnom Penh the Capital city of Cambodia up until processing neoliberalism and the world trade Bank policies with corporation of Government on working class in Cambodia. Christine Lagarde was very happy with good conditions appropriated by Prime Minister's (Hun Sen) while she left Cambodia towards other East Asian countries. Garment and textile worker went back to work but warned that if they don't get positive answer for their demands, they will take the action to strike and demonstrate soon again.

We strongly condemn pressure rising, arresting, injuring and killing workers and sympathize with Garment and textile's workers. This appalling use of extreme lethal force by military police must stop and should immediately release all those detained, and ensure that those responsible for the killings and violence are brought to justice.

**Long live workers international solidarity
Down with the capitalists system**

January 2014

Solidarity Committees with the Iranian Workers' Movement- abroad

nhkommittehamahangi@gmail.com